

www.ketab.ir

چهل کلاغ یک کلاغ،

گردآوری و تدوین: گروه تحقیق
موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

عنوان و نام پدیدآور : یک کلاغ، چهل کلاغ (ویژه‌ی نوجوانان) / گردآوری و تدوین گروه تحقیق موسسه فرهنگی هنری قدر و لایبت.
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر و لایبت، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : 978-964-495-741-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۵
 Young adult fiction, Persian -- 21st century
 شناسه افزوده : موسسه فرهنگی هنری قدر و لایبت
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۶۶
 رده بندی دیویی : ۸۵۳/۶۲ [ج]
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۸۴۹۴۴۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

چهل کلاغ یک کلاغ،

www.ketab.ir

گردآوری و تدوین:

موسسه فرهنگی هنری قدر و لایبت

مدیر هنری: حسین یوزباشی

طراح گرافیک: استودیو ۴ میخ

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳

شماره‌گان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: جعفری، صداقت

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۷۴۱-۳

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و پخش: تهران، خیابان پاستور

شرقی، خیابان دوازدهم فروردین جنوبی،

کوچه خاقانی، پلاک ۸



موسسه فرهنگی هنری قدر و لایبت

موسسه فرهنگی هنری قدر و لایبت
 تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱
 نمبر: ۶۶۹۷۰۴۰۵
 www.ghadr110.ir





فهرست

www.ketab.ir

- ۹ مقدمه: ورودی‌ها و خروجی‌ها را فیلتر کن!
- ۱۳ فصل اول: پره‌های مرغ را برایم بیاور
- ۱۵ پالایشگاه سه‌گانه‌ی زبان!
- ۱۸ بهترین و بدترین عضو
- ۲۰ فاصله‌ی سخن خردمند و آدم آبله!
- ۲۲ هر چه بر زبان راندی را بنویس و شبانگاه بخوان!
- ۲۵ چگونه سخن می‌گویی؟
- ۲۹ بهانه‌ی مردم تمامی ندارد!
- ۳۱ با چه چشمی نگاه می‌کنی؟
- ۳۳ از پشت شیشه‌های پاک به زندگی مردم نگاه کن
- ۳۴ چشم و پوشش جیوه‌ای!
- ۳۶ زیبایی انسان به چیست؟

- ۳۸ سه پند ارزشمند پرنده به شکارچی!
- ۴۰ پرهای مرغ را برایم بیاور!
- ۴۲ برای هر نفر یک سنگ در کیسه انداز!
- ۴۶ چهل کلاغ از گوش هایت بیرون پریده!
- ۵۲ یکی از مناره ها کج است!
- ۵۴ چهلمین کلاغ!
- ۵۷ پرهای سرت کجا رفته؟
- ۶۱ روباه مگاور و زاغک ساهه اندیش
- ۶۳ در کف هر کس اگر شمع می بسوزد!
- ۶۶ هر کسی از ظن خود شد یار من!
- ۶۸ شب تاریک و چراغ در دست نایبنا!
- ۷۱ فصل دوم: پالایشگاه زبان، بهترین و بدترین عضو بدن
- ۷۳ اهمیت حفظ زبان
- ۷۵ عملکرد درست و انسانی زبان
- ۷۷ حق زبان بر انسان
- ۷۸ سه درخواست امام زمان (عج) از خداوند درباره ی زبان!
- ۸۰ شوخی بدون حرف لغو و ناپسند
- ۸۲ ویژگی های سخن گفتن
- ۸۶ آیا در فیلم و فضای مجازی هم غیبت صدق می کند؟
- ۸۹ نفس امام خمینی به شماره افتاده بود!
- ۹۴ اصول دهگانه ی حاکم بر سخن گفتن
- ۹۴ اصل اول

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۹۹

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۲

اصل دوم

اصل سوم

اصل چهارم

اصل پنجم

اصل ششم

اصل هفتم

اصل هشتم

اصل نهم

اصل دهم

www.ketab.ir

رافیلترکن!

مقدمه:

وقتی در حوضچه‌ی آبریز یک رودخانه، چشمان چشمه و آب جاری برف، می‌ریزد؛ جلوی آن سد می‌زنند و به وسیله‌ی کانال‌ها و دریاچه‌هایی که در آن نصب می‌کنند، جریان آب را به هر مقدار که می‌خواهند و برای هر نقطه که لازم باشد، هدایت می‌کنند.

مثال دیگر می‌زنیم. یک مرکز جاسوسی را در نظر بگیرید. جاسوسانی از محیط‌های اطراف و حوادث و آدم‌ها و رفتار آنان خبرهای زیادی را کسب می‌کنند و به این مرکز می‌دهند. در آنجا این خبرها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و آنگاه براساس نتایج بدست آمده، برنامه‌ریزی عملیاتی و اجرایی می‌کنند.

در یک سیستم کامپیوتری هم، همین جریان را برقرار کرده‌اند. اطلاعاتی وارد سیستم می‌شوند. در منطقه‌ای پردازش و دسته‌بندی و ذخیره می‌گردد و آنگاه کاربران از این اطلاعات پردازش شده،



حسب نیازشان استفاده می‌نمایند.

حالا بپردازیم به مجموعه‌ای به نام «انسان»، مجموعه‌ای از

اعضاء و اندام‌های مختلف با وظایف متفاوت ولی هم‌بسته و

هم‌پوشان و هم‌جهت، که بایستی در میان خانواده‌ها و جامعه

زندگی کند و با مجموعه‌های انسانی دیگر مرتبط و هم‌سو گردد.

در انسان پنج حس اصلی، نقش آبریزهای حوضچه‌ی یک سد،

وظیفه جاسوسی برای مرکز فرماندهی، کار جمع‌آوری اطلاعات برای

سیستم پردازش کامپیوتر را به عهده دارند: بینایی (باصره)، شنوایی

(سامعه)، بویایی (شامه)، بسایی (لامسه)، چشایی (ذائقه).

حواس دیگر مثل خیال و حافظه و... هم قائلند که نقشی

اساسی در این جمع‌آوری و ورودی‌ها به عهده ندارند. انسان که

دارای این پنج حس اصلی است و همچون گاو صندوقی، آورده‌های

این حواس را در خود ذخیره می‌کند و به پردازش آنها در مغز و عقل

خود اقدام می‌نماید، خروجی آنها را چگونه بروز می‌دهد؟

خروجی‌های انسان غالباً از طریق یک تکه گوشت در دهان

یعنی زبان، ظاهر می‌شوند. دست و پا و حرکات چشم و لب‌ها گاهی

خروجی‌های خاصی را بروز می‌دهند، دست تهدید می‌کند یا نوازش،

می‌گیرد یا می‌دهد؛ پا به جایی داخل یا از جایی خارج می‌شود،

چشم خماری می‌کند یا غمگین می‌نگرد یا خون در آن از شدت

خشم می‌دود و... اما این زبان است که اساس اطلاعات پردازش

شده و آب ذخیره شده و پول پس انداز شده را هزینه و خرج می‌کند!

اگر برای زبان بیش از هفتاد گونه معصیت و گناه و درمقابل، ده‌ها

ثواب و خیر ذکر شده برای همین خصوصیت ویژه است. حالا دست هم با نوشتن، بخشی از کار زبان را به عهده می‌گیرد و نوشتن نوعی خروجی می‌شود و کتاب، در واقع گفتارهای نویسنده تلقی می‌گردد. هم‌چنانکه با اختراع ابزارهایی چون موبایل و به خدمت گرفتن فضای مجازی، بخشی از اطلاعات و سرمایه‌ی حواس انسان بویژه از طریق بینایی و کمتر از طریق شنوایی، از این طریق تأمین می‌گردد. اگر انسان ورودی‌های وجودش را کنترل و به اصطلاح «فیلتر» نکند، چه اتفاقی می‌افتد؟ یا اگر خروجی‌های وجودش را یله و رها کند و مراقبت و «فیلتر» نکند، چه وضعی پیش می‌آید؟

پیامبر رحمت و عزّت این سخنان را می‌دهند و اتفاق ناگوار و وضعیت وحشتناک را از راه‌های مطرح شده، نشانمان می‌دهند. می‌فرمایند:

لَوْ لَا تَكْنِيْزُ فِیْ كَلَامِكُمْ وَ تَمْرِیْجُ فِیْ قُلُوْبِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا لَمْ يَرَوْا وَ لَسَمِعْتُمْ مَا لَمْ تَسْمَعْ.

اگر زیادی گفتارتان (خروجی اصلی) و آشفتگی در قلب‌هایتان (مرکز پردازش) نبود قطعاً آنچه من (از آسمان‌ها و حقایق) می‌دیدم و می‌شنیدم شما هم می‌دیدید و می‌شنیدید.

در تفسیر کلام رسول خدا آمده است که مرج یعنی چمن و در واقع هر حیوان و جانوری در چمن زار قلب انسان وارد شده و می‌چرند و این آشفتگی، حاصل ورودی‌های بی‌درو پیکرو فیلتر نشدن آنهاست. ورودی‌های کنترل نشده منتهی به خروجی کنترل نشده یعنی زیاد سخن گفتن و زیادی و نادرست نوشتن می‌گردد و انسان به بدبختی و



شقاوت می افتد و از راه و رسم رسول حق جدا می گردد. نباید اجازه داد شیطان درونی و شیاطین بیرونی هر چه می خواهند در حوضچه‌ی حواس بریزند و هر جور می خواهند از آن خروجی بگیرند. البته وقتی هم ورودی‌ها و خروجی‌های وجود خود را کنترل کردیم، باید مواظبت کرد که شیطان‌ها فیلترشکن بر آن نصب نکنند و هر چرنده‌ای را در چمن زار دل مان به چرا واندارند و هر سخنی را بر زبان ما جاری نسازند. این چنین است که وعده‌ی رسول خدا (ص) محقق شده و به مرتبه‌ی انسان خدایی وارد می شویم.

در این مجموعه آفت‌ها و آسیب‌های خروجی اصلی حواس انسان یعنی حواس را خواهیم دید و اینکه چگونه باید سخن گفت، کجا باید سخن گفت، اطلاعات و دریافتی‌های حواس را چگونه باید کنترل کرد تا به خروجی درست و حقیقت برسد، از چه چیزی باید سخن گفت و از چه چیزی نباید حرف زد. همه‌ی اینها را در حکایت‌های زیبا و روایات و اشعار مناسب و گویا آورده‌ایم و از اندیشه و تفکر شما یاری جسته‌ایم تا با هم به بهترین نتیجه برسیم. ان شاء الله.